

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی،
علمی، ادبی و مذهبی "صدای پو"
سال اول، شماره چهارم | ۶ تیرماه ۹۹



ص ۸ | زنان به پیش!

ص ۴ | فمینیسم خودی

ص ۶ | گل به خودی متنوع

ص ۷ | نه به خشونت لطفا!

به نام خدایی که در همین نزدیکی ست



عناوین

شناسنامه

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، علمی، ادبی و مذهبی "صداتیو"
دانشگاه علوم پزشکی گیلان
سال اول، شماره چهارم، ششم
تیر ماه ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
فائزه سبحانی فر
سردبیر: فاطمه افشاری

همراهان این شماره
(به ترتیب حروف الفبا)

نوشتار:

محمد مهدی اکنچی
امیررضا انجمن روز
پریسا رحیمی راد
فائزه سبحانی فر
سمانه گلوگاهی
سمیرا محمدی نیلاش
نادیا مسعودی
فاطمه ملکی
یاسمین نامی
امیر حسین یوسفی کیساری

عکس:

تینا نیکومنش
امیر حسین یوسفی کیساری

صفحه آرایی:

فائزه سبحانی فر

- ۳..... سر مقاله.....
- ۴..... فمنیسم خودی.....
- ۵..... من یه دخترم.....
- ۶..... گل به خودی ممنوع.....
- ۶..... لب و دهان یا شراب شیرین؟!.....
- ۷..... نه به خشونت لطفا!.....
- ۷..... دست به دست هم!.....
- ۸..... زنان به پیش!.....
- ۸..... الهه‌ی عشق.....
- ۹..... زنان کوچک، زنان بزرگ.....
- ۹..... پایان شب سیه.....
- ۱۰..... تعطیلات ابد و یک روز.....
- ۱۰..... زنده به گور!.....



سر مقاله

روی خوش به زنان نشان نمی دادند و تقریباً حقوقی برای آنان قائل نبودند. اما از نظر اسلام، زن و مرد در طبیعت، انسانیت و شخصیت حقوقی و معنوی یکسانند و هر یک از این دو به واسطه خصایص ویژه خود، تفاوتی با دیگری خواهد داشت.

اسلام به تمام ذهنیت منحرف بشر تا آن زمان نه گفت و حقوقی را درباره زن مقرر کرد، مانند: زن، یک انسان و دارای خصایص ذاتی ویژه است و در مفهوم انسانیت، مرد را بر او امتیازی نیست. زن مانند مرد عضو کامل جامعه است و شخصیت حقوقی و استقلال فکری دارد.

اما اتفاق ناخوشایندی که هم اکنون در حال رخ دادن است، مطالبه و محدود کردن حقوق زنان به مهریه، حق طلاق، حضور در ورزشگاه و... است و فراموش کرده ایم که مورد اصلی مطالبه باید حق زندگی زن باشد و نه موارد حاشیه ای! حقی که شاید کمتر و در اکثر مواقع اصلاً بدان توجه نشده!

در نهایت زن و مرد، دختر و پسر همه انسان هستند و کسی بر دیگری برتری ندارد و هر یک توانایی‌هایی دارند که مختص خودشان است و در آن تبحر دارند. افتخار داشتن فرزند پسر و سرافکندگی دختر داشتن در قرن حاضر چیزی جز کندذهنی افراد را نمی‌رساند و شاید لازم باشد در تعدادی از قوانین و سنت‌ها که با توجه به این افکار کهنه و غلط شکل گرفته، تجدید نظر کرد و بدانیم همه ی ما انسانیم و دارای شخصیت و منزلت برای خود. نادیا مسعودی، بهداشت عمومی ۹۶

حقوق زنان، بحثی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه زنانی که به دنبال جایگاه یک شهروند هستند، قرار گرفته و همیشه، در همه جا و همچنین در ارتباط با تمام مسائل خرد و کلان درباره آن گفتگو می‌شود! اما احقاق این خواسته گاه‌ها بین افراطی‌گری‌ها و خواسته‌های غیر منطقی و مغرضانه، کم می‌شود.

در گذشته، حقوق زن، تعریف و در واقع وجود نداشت که این موضوع در گروه‌های مختلف، متفاوت بوده است مثلاً در برخی جوامع قبائلی که روش اجتماعیشان، قانونی یا دینی نبوده و فقط با آداب و رسوم قومی زندگی می‌کردند، زن به عنوان یک انسان کامل دیده نمی‌شد و با زن شبیه به یک شی رفتار می‌کردند و گاهی اوقات برای صلح میان دو قبیله، دختران را به عقد مردانی از قبیله مقابل در می‌آوردند (که البته این موضوع، نقض کننده حقوق دو طرف بوده و نه فقط زنان). حال اینکه در جامعه‌های متمدن سلطنتی مانند ایران، مصر، هند و چین که به دلخواه شاهان وقت اداره می‌شد، گرچه حال زن بهتر از سایرین بود و به کلی از مالکیت و تصمیم‌گیری، محروم نمی‌شد اما باز اختیار کاملی نداشت و سرپرست خانه‌ای که زن در آن زندگی می‌کرد بر وی حکومت مطلق داشت یعنی برادر، پدر، عمو و... حق داشت وی را با هر که می‌خواهد عقد کند و یا ببخشد. در آخرین سطح از برخورد غیر انسانی با دختران، بعضی اقوام اعراب جاهلیت، دختران خود را زنده به گور می‌کردند. در سایر جوامع دینی تعریف شده نیز بیشتر از آنچه در جامعه‌های دیگر بود،

فمینیسم خودی

فصله چه؟

به مبانی غنی اعتقادی و فرهنگی جامعه ایرانی است. نفوذ و تهاجمی که آثار نامطلوب آن به تدریج در بین جوانان در حال رواج بوده و آثار آن مانند کاهش تفاهم جنسیتی، کم رنگ شدن مبانی تشکیل خانواده، گسستگی ارتباطات صحیحی و اصولی، آزادی جنسی، تمایل به تحصیلات عالی به عنوان مهم ترین هدف در زندگی، انتظارات و توقعات غیرواقعی و غیرارزشی دختران و پسران از یکدیگر، همه از دستاوردهای ورود اندیشه های ناهمگون و نامتناسب عقیدتی-

زنان را در عرصه رقابت با مردان و کسب موقعیت های برابر، قرار داد. کسب منابع مالی مستقل، پیشرفت های علمی و تحصیلی، کسب توان مندی های اجتماعی و مهارت های ارتباطی و ... زنان را به سوی احقاق حقوق مساوی و برابر با مردان سوق داد. ظهور نهضت ها و جنبش های فمینیستی در غرب، ایده ها و اندیشه های متفاوتی را در قالب نحله ها و گونه های متفاوت فکری، جهت دفاع از حقوق زنان، آزادی خواهی، استقلال طلبی و بدست آوردن فرصت ها و موقعیت های

حقوق زنان، اصطلاحی ست که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد که ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند. دلیل گروه بندی خاص این حقوق تحت عنوان زنان و جدا کردن آن از حقوق عام تری مثل حقوق بشر این است که بنا بر تئوری، این حقوق در بدو زاده شدن برای تمام بشر به رسمیت شناخته می شوند اما مدافعان حقوق زنان، نشان می دهند که به دلایل تاریخی و فرهنگی زنان و دختران بیشتر از مردان از شمول این حقوق خارج می شوند.

مبحث حقوق زنان معمولاً شامل این موارد می شود: تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رای، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر. حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت حقوق سرپرستی، ازدواج و مذهبی.

امروزه در جوامع غربی، مباحث متعددی درباره تساوی و برابری حقوق زنان و مردان مطرح می شود که آثار و نتایج آن بسیاری از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی حقوقی آن جوامع را دچار تغییر و تحول نموده است. تحولاتی که عقبه و سایه آن گریبانگیر جامعه ما نیز گشته، لیکن به دلیل تفاوت در مبانی حقوقی و فرهنگی و گاهی به دلیل فهم نادرست و یا غیراصولی آن در جامعه ما آثاری متفاوت و ناخواسته ایجاد نموده است، آثاری که نه تنها منجر به کسب حقوق برابر زنان با مردان و رضایت مندی آنان از وضعیت فردی و اجتماعی خود نشده، بلکه زمینه های از هم گسستگی خانوادگی، سردرگمی، عدم رضایت مندی، و برخی انحرافات فکری و اجتماعی را برای هردو جنس زنان و مردان به دنبال داشته است.

در سده های اخیر، گسترش و توسعه مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی در جوامع مختلف، تحولات قابل توجهی را در وضعیت، نقش و جایگاه زنان در جامعه ایجاد نموده است. مشارکت زنان در کشاورزی و دامداری در زمان های پیش از انقلاب صنعتی و ورود زنان به سایر عرصه های مشاغل خدماتی، اداری، آموزشی، صنعتی، تجاری و امثالهم، در پی تخصصی شدن مشاغل در اوایل قرن بیستم، از نمونه های چنین تحولاتی است. همچنین، گرایش و تمایل زنان به تحصیلات عالی و دوره های تخصصی در جهت افزایش توانمندی ها و مهارت های

برابرمطرح نمود. نگرش های فمینیستی، بر اساس مبانی فکری و فرهنگی جوامع غربی، تأثیرات چشمگیری در ابعاد متفاوت جنسیتی ایجاد نموده است. تأثیراتی مانند استقلال مالی زنان و عدم وابستگی اقتصادی آنان به مردان، تمایل به آزادی خواهی مطلق از جمله در زمینه آزادی های جنسی، از هم گسستگی مبانی خانواده، عدم تمایل به مسئولیت پذیری در تشکیل خانواده و زندگی مشترک، پیدایش قشر وسیعی از کودکان بی سرپرست و یا تک سرپرست و اموری از این قبیل، نه تنها در ارتقا و بهبود وضعیت اقتصادی و احیای جایگاه اجتماعی زنان موفقیت چندانی نداشته، بلکه به لحاظ اخلاقی و روحی-روانی و حفظ شان و کرامت انسانی زن در جوامع غربی، نیز به دستاوردهای مورد نظر نایل نشده است.

نگرش های مشابه جنسیتی، در قالب و چارچوب فکری غربی به جوامع ما نیز تسری پیدا کرده و بدون توجه به تفاوت در مبانی فکری، عقیدتی، فرهنگی و بدون توجه به آثار و تبعاتی که ممکن است ورود چنین دیدگاه های فکری در جوامع ما به جای بگذارد و بدون عنایت به ضرورت بومی سازی مفاهیم و اندیشه ها و ایجاد همگونی و تناسب بین اهداف و ابزار و به کارگیری شیوه های مناسب، در حال پیشروی و دستبرد



عکس از امیرحسین یوسفی کیساری.

فرهنگی به جامعه ایرانی است. در جامعه ایرانی، در منابع دینی و قانونی، مبانی تساوی زن و مرد، به لحاظ تکوینی، انسانی، اخلاقی و ارزشی به بهترین نحو تبیین شده و منابع دینی در آیات متعددی به تساوی بین زن و مرد در تکوین، مبدا و منشا خلقت، شان و کرامت و ارزش انسانی، هدف در آفرینش، ارزش مقام بندگی، نیل به کمال و رشد تاکید می کنند. در نگاه دینی زن و مرد برای یکدیگر و جهت آرامش و کمال

من یه دخترم! یه دختر که همیشه به دختر بودنش افتخار کرده و عاشقانه کروموزوم ایکس دوقلوشو دوست داره! اگه بخوام واقعیت رو بگم بجز تعداد انگشت شماری از لحظات زندگی‌م هیچ وقت آرزو نکردم کاش پسر بوده باشم (نه که بگم پسر بودن بده ولی خب الان دختر بودنم رو دوست دارم).

طبیعتاً منم بعضی وقتا حس کردم که عه! فلان موضوع یا فلان خصوصیت جنسیتی بیشتر به نفع پسر است و نشستیم کلی فکر کردم تا یه بصرار موضوع پیدا کنم که بیشتر به نفع منم تا تو ی عدالت هستی، شک نکنم! (و پیدا کردم همیشه)

از دغدغه های فمینیست نماهای الان نه خوشم میاد و نه زیاد می خونم در این باره ولی چیزی که برام واضحه اینه که یه سنت هایی هست که یه سری استنباط می کنن که پسر برای خانواده و جامعه، عزیز تر از دختران و به دنبالش ممکنه ازش آزرده باشن و در قالب کلیشه برعکس، یه شبکه ی اجتماعی رو اشغال کرده باشن و تقاضای همراهی کنن ولی باید از دید مقابل هم نگاه کنیم و ببینیم آیا چیزی نیست که از چشم پسر خیلی به نفع ما باشه... واقعا نیست؟! خب اگه نیست ما باید به عنوان پدر و مادری آینده باید اون چیزای ناخوشایند رو از بین ببریم ولی نه با کوبیدن کل مردا!

در کل یه سری قوانین هست که فمینیستا میگن به ضرر ماست و از روشای غیر منطقی که اصلا نتیجه نمیده، دارن اعتراض می کنن و هیچی! یه سری مسائل هست که شاهد و گواه قطعی بی انصافی شده برای یه سری آدمها، مثل حق طلاق که با مرده و میخوان برای خانوما باشه در حالی که خب مهریه هم حق واقعی خانومه! یه مجموعه قوانین هم هست که به نفع خانوماست و تقریباً به ضرر آقایون مثل سربازی رفتن، مثل نفقه دادن، مثل بار هزینه زندگی رو دوشوت بودن که خب ما ازش حرف نمی زنیم و آقایونم چون مثل ما احساس نمی کنن همیشه حقشون خورده شده، زما دنبالش نیستن و طبیعتاً من ازش خوشحالم! (از عدم پیگیری این حقوق توسط مدافع نماها هم همین بس که با این کار نمیتونن سریع تر به هدفشون برسن)

میدونی میخوام چی بگم؟! میخوام بگم که اگه از دختر بودنت و توجه بیشتر به فرزندی پسر ناراحتی دنبال اصلاح این فرهنگ برای بچه هات باش ولی نه به مرد سستیازی! اگه قانونی هست که ناعادلانه ست بیا با هم حرف بزیم و اگه دیدیم واقعا هست، اصولی بهش اعتراض کنیم! میخوام بگم که اگه دنبال برابری هستی در برابر ۱۲ شب بیرون رفتن سربازی هم باید بری، در برابر حق طلاق، مهریه هم باید بدی، در برابر این کار، فلان حق رو واگذار کن به جنس مخالف، خلاصه خواستم بگم دنبال عدالت باش نه برابری! خواستم بگم دنبال دغدغه خودت باش نه دغدغه ای که فضای مجازی داره بهت القا میکنه... خب! | فائزه سبحانی فر، پرستاری ۹۵

اجتماعی و فرهنگی تعیین نموده (اصل ۲۰) و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها را سبب امتیاز ندانسته است (اصل ۱۹). به علاوه، اصل ۲۱ قانون اساسی حقوق ویژه حمایتی برای رشد شخصیت زنان و احیای حقوق مادی و معنوی آنان اعلام نموده و دولت را موظف دانسته که در جهت تامین زنان سالخورده، بیوه و سرپرست خانوار اقدام نموده و زنان را در ایفای نقش خانوادگی یاری نموده و از آنان خصوصاً در دوران بارداری، حضانت فرزندان و سرپرستی کودکان بی سرپرست حمایت نماید. بر مبنای اصول فکری و میانی قانونی به نظر می رسد که نیل به تساوی حقوق زنان و مردان لازم است که مسیر دیگری که با ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی متناسب باشد و مسیری غیر از آنچه در سایر جوامع و بر اساس میانی فرهنگی خاص آن جوامع تبیین شده است را بییامد تا

به آثار و نتایج دلخواه و مطلوب نایل شود. قوانین عهده دار تدوین و وضع اصول و مقرراتی هستند تا بتوانند در عین توجه به میانی ارزشی و انسانی زنان و مردان، آنان را در جهت ویژگی های فطری هدایت نموده و با فراهم نمودن فرصت های آموزشی، شغلی، فرهنگی و اجتماعی برابر، استعدادها و توان مندی های بالقوه آنان را پرورش داده و زمینه های فعالیت های اجتماعی را برای آنان فراهم نماید. به علاوه، قوانین و فضای فرهنگی جامعه باید به ویژگی های فطری خاص هر جنس که با دیگری متفاوت است، توجه نموده و زنان و مردان را در ایفای نقش های خانوادگی و تربیت و پرورش فرزند، با تشریک مساعی و ایجاد نگرش صحیحی در زندگی مشترک، و ایجاد تفاهم فکری

بین آنان یاری و مساعدت نماید، تا شاید بدین ترتیب اصلاح اجتماعی محقق شود.

جالب است بدانید که سوئد، بلژیک، دانمارک، فرانسه، لتونی و لوکزامبورگ شش کشور هستند که به صورت قانونی برای زنان حقوقی برابر با مردان را تضمین کرده اند و گفته می شود که فقط این شش کشور اروپایی در تحقیقات موفق به دریافت رتبه کامل قبولی شدند. | سمیرا محمدی نیلاش، پرستاری ۹۷

یکدیگر آفریده شده اند، هیچ یک طفیلی دیگری نبوده و هر یک مستقلاً از ارزش انسانی مساوی برخوردارند. هردو در نهایت اعتدال آفریده شده، دارای فطرت پاک بوده، از امکانات، استعدادها و ابزار شناخت برابر برخوردارند؛ دارای قدرت بیان برابر بوده و هردو به یک اندازه در معرض ایمان و تکامل و قرب الهی و یا در معرض گناه و انحراف و کفر قرار دارند. هردو در انجام عبادات و تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، خمس، زکات، و ... مورد تکلیف و پاداش و عقاب الهی قرار دارند. زنان همانند مردان از استقلال، حقوق مالی و حق مالکیت برخوردار بوده و می توانند مستقلاً نسبت به اموال خود معامله نموده، بخرند، بفروشند و یا از اموال خود به دیگران ببخشند. در فعالیت های اقتصادی، تولیدی، سیاسی،



کارشناسی فوریت های پزشکی ۹۸

تحصیل علم و فضایل هیچ محدودیتی برای زن وجود نداشته و برابری با مردان مسجل و مورد تاکید می باشد.

برابری زنان با مردان در اصولی از قانون اساسی نیز تعیین شده است. قانون اساسی در اصول کلی همه افراد انسانی اعم از زن و مرد را مشمول قانون و در حمایت آن قرار داده و برای آنان حقوق یکسان انسانی، اقتصادی، سیاسی،



ما خپلی خوبیم!

گل به خردی منوع

تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم، موجی از اعتراضا نسبت به بی عدالتی و تبعیض در حقوق زنان تو غرب شروع شد و از اون جایی که ما ایرانی‌ها همیشه از ماجراهای جدید، استقبال می‌کنیم، رسیدیم به مفهوم فمینیسم در ایران و گاها اجرای افراطی و اشتباه اون.

بیشتر موضوع‌هایی که تو این مقوله مطرح میشه حول محور جنسیت می‌چرخه و توی کشوری مثل کشور ما، هویت جنسیتی قبل از قادر بودن افراد به تشخیص و تمییز محیط شکل می‌گیره و رفتار و شیوه گفتار، دائما در حال کنترل.

فرایند اعتراض و اصلاح بین ما از فرایند منطقی‌ای پیروی نمی‌کنه و به جای این که مثلا بفهمیم جنس مرد ذاتا ماهیتی سلطه‌گر داره و باید کارگه‌های آموزشی که تو این مقوله برگزار شه و هویت، تعریف شه که لزوما همراه با خشونت و سلطه‌گری علیه زن نباشه، ما می‌شینیم و تمام رفتارها و اعمال ریز و درشت مردارو نقد می‌کنیم و به تک‌تکشون، ایراد می‌گیریم و فاز مبارزه هم برمیذاریم ولی سوال اینه که اگه کسی کتکتون بزنه و در اون حین بهتون چند تا نکته درست بگه، شما بهش عمل می‌کنین؟! اینکه یه نفر اون سر دنیا خارج از گود یه چی بگه و همه به به و چه چه کنن و سوار موج بشن و اظهار تنفر کنن، کار درستیه!؟

این که خیلی از حقوق خانوما از فرایند زنان علیه زنان داره ضایع میشه هم تقصیر مرداست که باید با مردستیزی، جبران بشه!؟

البته ماها کلا فراموش کردیم که که عکس این موضوع هم وجود داره مثلا وقتی تو جامعه خشونت علیه جنسیت مذکر صورت بگیره شاید به اون اندازه بولد نشه در حالیکه وقتی مسئله ی خشونت مطرحه دیگه این مسائل میره کنار!

در کل همگی موظفند که از حقوق خودشون دفاع کنن و این آزادی باید وجود داشته باشه، همیشه منکر این شد که در جامعه ی ما حقوق زنان به اندازه ای که باید، بهش پرداخته نمیشه و اینکه مفهوم فمینیسم بر برابری دلالت می‌کنه و نباید اینطور تعبیر کرد که قراره مرد سالاری تبدیل به زن سالاری بشه!

چه خوبه که هر موضوعی از طریق مطالعه و رفتارای اصولی باشه نه از طریق افراط و ... در غیر این صورت شاید مدت کوتاهی بتونیم مرهم باشیم اما پایدار نخواهد بود... باشد که رستگار شویم. [یادداشت ویراستار] امیررضا انجمن روز، داروسازی ۹۷



توفپو

نمی‌خواهم زن را از موضوع عقلی، بررسی کنم بلکه به نقد اجتماعی آن که در روزگار معمول است می‌پردازم؛ قطعاً بررسی و حرف‌های من مشمول همه زن‌ها نمی‌شود چرا که همیشه استثنا وجود دارد.

بخت بشر در این دنیای پر از تضادهاست. در مرد و زن یکسان است. زن یب دهنده مرد است و با زینت و عیب‌گری در برابر او ظاهر می‌شود و بی‌بوییتی که در دل مرد دارد، حاجت که مرد در وجود خود ببیند به آن اساس می‌کند مرد را می‌بید و پس اولین برخورد و مبادله سلام اثر این بستنه در میان مرد و زن آشکار می‌شود. پس سلام زیبا رویی را حتی با اشاره پدید می‌دهد!

زیبایانی که به زیبایی طبیعت و اصالت قانع نشد، با اکستنشن ریمبل و... در برابر مرد اهر گردیدن و سخن دل‌ها را جریحه‌ر می‌کنند. زن گوش‌ها را می‌نوازند. بل این همه از لب و دهان شان شراب شیرینی چیده است.

ازدواج زن باعث انیت انگیزی می‌شود البته در صورتی که سسر او از هر جهت با زن توافق داشته باشد. دوشیزه را کسی مانند شوهر خوب، حفاظت و

حمایت می‌کند. **خواندن این متن به همه ی همراهان توصیه نمی‌شود، در صورت تمایل با مراجعه به کانال تلگرامی نشریه از این متن بهره مند خود را بر مشورتی که به شوهرش پیر باشد آگاه در سینه زدم** و زیور باشد، باز فقیه‌ها را روت و زینت و

از تمام زن‌ها بی‌گانه است. **مردان** با تمام مستی، چرا تمام مردم در حقوق اجتماع یکسانند هر دنیای تو جای اقامت نیست، چه در آن بنای استوار ایجا کنی! دنیا همه ای است که تمام بسطانش در انتظاری بوج کردن هستند. اگر ریب روزگار و در روزگار را خورده ای صد ازدواج داری زن، تو را بس است. زن‌ها مانند شیشه‌اند، باید با آنان مدتی می‌وگرنه می‌شکنند.

هرگاه انسان به شیدایی تبدیل می‌شوند برای خوردن بهترین غذاها، با نیاز باشوه، گراحت انسان می‌داند و از روی نادانی بر سر داد می‌دهد.

نصیحت کار من نیست و کلام آخر این است: از همه که داری نیمی به پدر ببخش و به باشد یا مرده؛ و در اگرام کردن من بر این مقدار بیفز. | امیرحسین یوسنی کیساری، کارشناسی فوریت‌های پزشکی ۹۸



پژوهشگرانه

یک قاچ مهاوره

یک قاچ این شماره با جزئیات زیادی همراه نیست چرا که موضوع بحثمون خیلی گسترده‌ست.

اول از همه لازمه بدونیم که خشونت خانگی فقط محدود به کتک کاری و پرخاشگری یه مرد در برابر همسرش نیست و خشونت خانگی میتونه هر نوع توهین کلامی یا رفتاری، هر نوع در تنگنا قرار دادن زن، حبس کردن، تحقیر یا حتی نپرداختن نفقه باشه. این خشونت حتی شامل هر گیر دادن بی مورد و چک کردن پی در پی، هر شکاکی بی دلیل و توهین به خانواده و علاقه مندی های او یا هر بار برچسب ضعیفه یا جنس شماره دوم بودن زدن هم هست.

خشونت خانگی توی جوامع بیش از هر نوع خشونت دیگه ای پنهان میمونه و درگیری با این نوع تابو به شکل های مختلف به چشم میخوره که "تبايد راجيش حرف بزنيتم" يا "بايد بسوزي و بسازي" که اینا باعث سکوت افراطی زن میشه و چون زن همیشه یاد گرفته که سکوت کنه از خلاف این مورد عمل کردن شرم و واهمه داره.

این مشکل تنها از طرف مردها نیست و باید بدونیم که زنان اغلب خودشون علیه خودشون عمل می کنن و با برچسب های نادرست باعث خراب شدن زندگی هم دیگه میشن و در مجموع همه زنان جامعه میشن و از طرفی فشار واژه‌ی خیلی آشنای آبرو برای خانواده ها باعث میشه «زن» اگر هم بخواد حرفی بزنه، جلوی دهانش گرفته بشه!

اغلب خشونت های خانگی توسط کسانی صورت میگیره که به نوبه ای قربانی و یا شاهد خشونت های این چنینی در گذشته بودن و این موضوع بدون توقف، چرخه ای از خشونت رو به وجود میاره.

در ایران به دلیل پررنگ بودن نقش زن و خانواده، نگرش حفظ اسرار خانه و خانواده از اهمیت بالایی برخورداره و همین مسئله باعث میشه و اغلب زنان از صحبت کردن راجب این خشونت فرار می کنن بنابراین باید این موضوع نهادینه بشه که خشونت خانگی در وهله اول جسم و روح خود زن و در مرحله بعد بچه هاش رو قربانی می کنه و خانومایی که برای حفظ زندگی بچه هاشون سکوت می کنن باید بدونن که آسیب های فرزندان طلاق به مراتب کمتر از آسیب های فرزندان قربانی خشونت خانگی می بینن.

سکوت نکنیم! ما با هر خندیدن به جوک های که شخصیت خانوما رو مورد حمله قرار میدن و گفتن جمله "به من ربطی نداره" به این آتیش دامن می زنیم و خانواده ها باید توجه کنن که از مهم ترین عوامل منجر به سکوت زن ها هستن، بهتره اینطور بگم که "عدم پشتوانه مناسب باعث بسیاری از سکوت هاست." به عبارتی زنان سکوت کرده زیادی رو می بینیم که تحمل می کنن چون کسی حامیشون نیست و یا تنها حامی فرزندانشون هستن و خودشون هیچ ازنان باید به بدن، جنسیت و روحشون، عشق بورزن و متعهد باشن و ما باید نسبت به حقوق و انتظاراتشون و هرچی که براشون بهتره، خود آگاهی بدیم. باید در ابتدای هر ارتباط با افراد با رفتار های اذیت کننده باید مهارت هایی مثل ابراز وجود، تصمیم گیری و مدیریت احساسات منفی رو یاد بگیریم و تاجایی که می تونیم از مسائل، افراد و محیط های آسیب زا دوری کنیم. مردها هم برای کاهش خشونت خانگی باید متوجه معنی و مفهوم خشونت خانگی و تاثیرش بر روان و جسم زن باشن و مجلات و فیلمایی که خشونت را ترویج می کنن رو نخرن، با پسرا و مردای دیگه صحبت کنن و الگوی مناسبی باشن.

در آخر لازمه بگم: "گوش دادن به زنان آسیب دیده و درک کردن آنان از مهم ترین وظایف ما در جامعه است." و برای زنان آسیب دیده می نویسم لطفاً از مراجعه به روانشناس و اورژانس اجتماعی واهمه نداشته باشین. از نگاهتون متشکرم... یاسمین نامی، ماما، ۹۷

نه به خشونت لطفا!

به طور کلی، ۳۵٪ از زنان در سراسر جهان خشونت شریک زندگی و خشونت جنسی توسط افراد ناشناس را تجربه کرده اند. در حالی که بسیاری از اشکال دیگر خشونت وجود دارد که ممکن است زنان در معرض آن قرار بگیرند، اما این بخش عمده ای از زنان جهان را تشکیل می دهد.

بیشتر این خشونت ها از نوع خشونت شریک زندگی است. در سراسر جهان، تقریباً یک سوم (۳۰٪) از کلیه زنانی که ازدواج کرده اند، توسط شریک زندگی خود، خشونت جسمی یا جنسی را تجربه کرده اند که در برخی مناطق ۳۸٪ بانوان این خشونت را تجربه کرده اند.

در سطح جهان، تقریباً ۳۸٪ قتل های زنان توسط شرکای زندگی انجام شده است.

زنانی که از طرف اطرافیان خود، مورد شکنجه، قرار گرفته اند، میزان بالاتری از تعدادی از مشکلات مهم سلامتی را گزارش می دهند. به عنوان مثال، آنها ۱۶٪ بیشتر از نوزادانی با وزن کم برخوردار هستند. آنها بیشتر از دو برابر احتمال سقط جنین، تقریباً دو برابر احتمال ابتلا به افسردگی و در بعضی از مناطق ۱.۵ برابر احتمال ابتلا به ویروس اچ آی وی، در مقایسه با زنانی که خشونت را تجربه نکرده اند، دارند.

در سطح جهان، ۷٪ از زنان از طرف افراد غریبه مورد حمله جنسی قرار گرفته اند. اطلاعات کمتری در مورد اثرات بهداشتی این خشونت در دسترس است اما شواهدی که وجود دارد نشان می دهد زنانی که این نوع خشونت را تجربه کرده اند، ۲.۳ برابر بیشتر در معرض اختلالات مصرف مواد مخدر و ۶/۲ برابر احتمال ابتلا به افسردگی یا اضطراب دارند.

پریسا رحیمی راد، دندانپزشکی ۹۷

خشونت علیه زنان پدیده جدیدی نیست و عواقب آن بر سلامت جسمی، روانی و تولید مثلی زنان تأثیر دارد. نکته این است که اعمال خشونت علیه زنان، الگویی از رفتارها را تشکیل می دهد که حقوق زنان و دختران را نقض می کند، مشارکت آنها را در جامعه محدود می کند و به سلامتی و اعتماد به نفس آنها آسیب می رساند. وقتی این موضوع به طور سیستماتیک مورد مطالعه قرار می گیرد، مشخص می شود که خشونت علیه زنان، یک مشکل سلامت جهانی است که تقریباً یک سوم زنان را در سطح جهان تحت تأثیر قرار می دهد.

این گزارش با گردآوری و تجزیه و تحلیل داده های موجود از مطالعات طراحی شده تا تجربیات زنان از اشکال مختلف خشونت ضبط کند و اولین خلاصه از چنین وقایع خشونت آمیز زندگی ست که بسیاری از خانمها تجربه می کنند. علاوه بر نمایش گستردگی این مشکل، تأثیر آن بر سلامت زنان نیز بررسی و ارزیابی می شود.

شورای تحقیقات پزشکی نخستین بررسی سیستماتیک جهانی و تلفیقی از داده های علمی در مورد شیوع خشونت علیه زنان را به دو شکل ارائه می دهد:

اصطلاح "خشونت علیه زنان" شامل اشکال بسیاری از خشونت، از جمله خشونت توسط شریک زندگی صمیمی و تجاوز و انواع دیگر خشونت است که توسط اشخاص دیگری انجام شده است و نیز قتل های ناموسی و قاچاق زنان و ...

خشونت علیه زنان شامل خشونت توسط شریک زندگی و خشونت توسط شخصی غیر از شریک زندگی.





کلماتپو

زنان به پیش!

همه‌ی کتاب‌هایی که می‌خوانیم، خوب یا بد، چیزی برای اضافه کردن به ما دارن اما بعضی کتاب‌ها هستن که فقط درس نمیدن بلکه یه انرژی خارق‌العاده به آدم منتقل می‌کنن و باعث میشن برای بهتر شدن اوضاع بجنگی.

خیلی از کتاب‌هایی که به نام زنان نوشته شده، تا حدودی فقط برای خوندن زنان مناسب ولی کتابی که انتخاب کردم تا براتون ازش بنویسم جنسیت نمی‌شناسه؛ شما می‌تونید یه مداد دستتون بگیرید تا زیر جملاتی که ازشون خوشتون میاد خط بکشید ولی حواستون باشه چون بعد چند دقیقه می‌بیند که کتاب رو خط خطی کردین!

زنان به پیش "طرحی برای ارتقای منزلت" اجتماعی زنان و افزایش مفاهمه بین زن و مرد از "شریل سندبرگ یکیر" از قدرتمندترین زنان جهان که این مقام رو به‌راحتی به دست نیارده!

بزارید همین اوایل صحبت خیالتون رو راحت کنم، اگه از دسته‌ی آدم‌هایی هستین که فکر می‌کنن، ارزش دادن به زن با متنفر بودن از مرد و افراطی عمل کردن همراه میشه این کتاب به دردتون نمی‌خوره؛ این کتاب، مناسب عموم مردم از هر طبقه اجتماعی چون کار و خانواده رو همراه هم داره و سدهای مقابل زنان و دختران رو محدود به یه سرزمین یا کشور خاص نمی‌دونه و به ما میگه این مشکلات کم‌رنگ یا پررنگ در تمام دنیا وجود دارن.

علاوه بر سدهای بیرونی جامعه، زنان با سدهایی که درونشون وجود داره از مردها و از خودشون عقب می‌مونن؛ «ما با نداشتن اعتماد به نفس، با بالانگرفتن دستمان وقتی که لازم است و با پا پس کشیدن هنگامی که باید پا پیش بگذاریم خود را به طرقی، کم یا زیاد، عقب نگه می‌داریم.» و باید بدونیم که «رها شدن از این سدهای درونی برای به دست آوردن قدرت حیاتی است».

می‌بینیم که: «در اجتماع، مردان، پیوسته به دلیل جاه طلب، قدرتمند یا موفق بودن تحسین می‌شوند اما زنانی که این ویژگی‌ها را داشته باشند، اغلب ناوان اجتماعی می‌پردازند «آری دستاوردهای



زنان، هزینه دارد».

"مردان و حتی خود زنان، کمتر زنان موفق را دوست دارند. مرد موفق، جذاب است و زن موفق، عجیب!"

از لحظه‌ای که متولد می‌شویم با پسران و دختران، رفتارهای متفاوتی می‌شود، مادران اغلب وقت بیشتری را به درآغوش گرفتن و نوازش کردن نوزاد دختر و وقت بیشتری را به نگاه کردن به نوزاد پسر می‌گذرانند.

"در جامعه، زمانی که مردی شکست می‌خورد به عواملی مثل به اندازه‌ی کافی درس نخواندن یا علاقمند نبودن به اون کار، اشاره می‌کند اما وقتی زنی شکست می‌خورد بیشتر محتمل است که باورداشته باشد آن شکست به دلیل فقدان توانایی ذاتی او بوده است. در زمان موفقیت هم همین‌گونه است، زن‌ها بیشتر موفقیت‌های خودشان را به عواملی شبیه به خوش شانس بودن یا حامی خوب داشتن نسبت می‌دهند."

کتاب به ما می‌گوید: "جنسیت، نه باید رفتار بی ادبانه و تحقیر آمیز را بیش از اندازه بزرگ نشان دهد و نه آن را توجیه کند. انتظار رفتار حرفه‌ای و حتی مهربان بودن را باید از همه داشته باشیم."

"کار سخت نسل‌های پیش از ما به آن معناست که برابری در دسترس است. ما می‌توانیم همین‌اکنون شکاف موجود را پرکنیم. موفقیت هر فرد می‌تواند، موفقیت را برای نسل بعدی کمی آسانتر کند. ما می‌توانیم چنین کنیم، برای خود، برای دیگران، برای دختران و برای پسرانمان. اگر حالا برای پیش رفتن فشار بیاوریم موج آینده می‌تواند آخرین موج باشد."

شریل می‌نویسد: "من باور دارم که زنان می‌توانند در محل کار، رهبری بیشتری برعهده بگیرند، باور دارم که مردان می‌توانند در خانه یاری بیشتری برسانند و باور دارم که این وضعیت، دنیای بهتری خواهد ساخت. من به دنیایی می‌اندیشم که برای تمام بچه‌ها می‌خواهم و برای بچه‌های خودم! بزرگترین امید من این است که پسر و دخترم قادر باشند انتخاب کنند که می‌خواهند با زندگی‌شان چه کنند و بدون موانع درونی یا بیرونی که آن‌ها را به عقب می‌راند یا وادار می‌کنند، انتخاب هایشان را زیر سوال ببرند ببندیشند؛ اگر پسرم بخواهد به طور تمام وقت، کار مهم بزرگ کردن بچه‌ها را انجام دهد امیدوارم که مورد احترام و حمایت باشد و اگر دخترم بخواهد به طور تمام وقت بیرون خانه کار کند، امیدوارم نه تنها مورد احترام و حمایت باشد بلکه به دلیل دستاورد هایش دوست هم داشته بشود."

یاسمین نامی، ماما یی ۹۷



امیرحسین یوسفی کساری، کارشناسی فوریتهای پزشکی ۹۸

پانویق ادبی

یک زن گران‌بهارترین اعجاز خداست، برای داشتنش باید وضوی باران گرفت و به نام عشق، شب‌نم وار بر عطر او سجده کرد و هزار هزار گل سرخ را تسبیح لحظه‌هایش نمود... او اجابت می‌کند، عشقی بالاتر از خورشید و زیباتر از مهتاب را و تنها یک زن میداند آیین دوست داشتن را و آنقدر زیبا هدیه می‌کند این عشق را که سیراب شوی... آری می‌دانی که او، الهه‌ی عشق است و بهشت کمترین سرزمین اوست.

برگرفته از سایت انعکاس

حدود ۱۳۰ روز از آغاز پاندمی کووید ۱۹ گذشته و در این مدت کادر بهداشت و درمان در سراسر جهان شجاعانه با این ویروس منحوس می‌جنگند در حالی که در ابتدای بحران اکثر مشاغل متوقف شده‌اند، با توجه به احتمال شروع پیک دوم این ویروس، بر همه‌ی ما لازم است که برای جلوگیری از تحمیل بار دیگری بر پیکر این عزیزان حتی‌الامکان در خانه بمانیم و در صورت خروج از منزل با فاصله‌گذاری اجتماعی و استفاده از ماسک در شکست دادن کرونا همراه و همیار باشیم.



Cartoon by ALIREZA PAKDEL @alirezapakdel.artist

زنان کوچک، زنان بزرگ

نام فیلم: زنان کوچک ۲۰۱۹ (Little Women)

ژانر: درام

کارگردان: گرتا گرویک

بازیگران: سورشا رونان، اما واتسون، فلورنس پیو، الیزا اسکالنن، لورا درن، تیموتی شالامی، مریل استریپ

این فیلم اقتباس نهم از رمانی به همین نام از "لوئیزا می الکات" است. اگر زنان کوچک آرمسترانگ، مانند خواندن دوباره کتاب مورد علاقه‌تان است، نسخه گرویک، مانند تجربه کردن آن برای اولین بار است.

این فیلم در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین بازیگر زن (سورشا رونان)، بهترین بازیگر نقش مکمل زن (فلورانس پیو)، بهترین فیلمنامه اقتباسی، بهترین موسیقی و بهترین طراحی لباس، نامزد اسکار شده است.

خلاصه داستان: فیلم Little Women، درباره چهار خواهر به نام‌های: مگ، جو، بت و ایمی است که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند و در زمان جنگ در خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کنند. پدر آنها به جنگ رفته و این چهار خواهر همراه با مادر خود با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند و زندگی ساده اما شادی دارند. با پایان جنگ این چهار خواهر به دنبال موفقیت در زندگی خود هستند و می‌خواهند که زندگی آسان‌تری را دنبال کنند و خودشان را با سختی‌های بیهوده آزار ندهند.

در نگاه اول شاید به نظر داستان چهار خواهر، ساده باشد ولی همین داستان ساده با فراز و فرودهایی که بوجود می‌آورد برای بیننده جذاب می‌شود.

شخصیت جو در دورانی زندگی می‌کرده که حقوق مدنی شکل نگرفته و زنان در انزوای خود خواسته بوده‌اند به گونه‌ای که بزرگترین کار زن را ازدواج موفق می‌دانستند و گویا زن را تنها وسیله‌ای برای عشق می‌پنداشتند. حتی در دیالوگ‌هایی در میان فیلم شخصیت جو که یک نویسنده است که آشکارا از

تبعیض‌های علیه زنان سخن می‌گوید. همچنین زمانی که می‌خواهد داستان‌های خود را چاپ کند از طرف رییس نشریه به او گفته می‌شود که اگر می‌خواهد داستان‌هایی که شخصیت اول آن زن هستند چاپ شود می‌بایست در آخر یا ازدواج کند و یا بمیرد.

چیزی که فیلم زنان کوچک را بسیار تازه و جدید می‌کند، این است که گرویک در داستان خودش، هر چهار خواهر مارچ را با یکدیگر برابر دانسته است؛ به جای اینکه بخواهد به خاطر اینکه آن‌ها چیزهای مختلفی می‌خواهند، رفتار متفاوتی با آن‌ها داشته باشد.

گرتا گرویک در فیلم زنان کوچک یک نگاه درست به زن را داشته است و بدون هیچ نگاه مغرضانه‌ای می‌خواهد جایگاه واقعی زن را نشان دهد. زن فیلم گرتا گرویک برای بهتر شدن جایگاهش و برای اینکه بخواهد به خواسته‌هایش برسد ظرافت‌های زنانه خود را به نمایش نمی‌گذارد. زن در نگاه او همان مادر مهربان و فداکاری است که برای حفظ خانواده‌ی خود همه‌ی تلاش خود را می‌کند. زن در نگاه او ممکن است به تجملات میل داشته باشد و بخواهد زندگی تمام و کمالی داشته باشد اما دوست داشتن برایش مهمتر است و حاضر است بخاطر یک دوست داشتن واقعی از همه‌ی امکانات رفاهی چشم‌پوشی کند. شخصیت ایمی با حسادت‌ی کودکانه و حسرت‌بهترین نبودن و در سایه‌ی خواهر بزرگترش بودن قد کشیده است اما در برخورد با عشق، خود را باز پیدا می‌کند و از آنچه خاله مارچ در او ساخته، دست می‌کشد؛ شخصیت پردازی او با توجه به محدودیت زمانی در یک اثر سینمایی به خوبی انجام گرفته است. در آخرین سکانس‌ها می‌بینیم که شخصیت جو، حاضر نیست حق تالیف کتاب خود را بفروشد و آن را برای خود نگه می‌دارد و این به آغاز یک حرکت برای احقاق حقوق زنان تبدیل می‌شود.

| محمد مهدی اکنجی، داروسازی ۹۷



سعیده قدس، متولد ۱۳۳۰ در تهران، نویسنده، کارآفرین و نیکوکار ایرانی است که موسسه محک را تاسیس کرده است.

سعیده قدس از مؤسسان مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) است. او نویسنده چندین کتاب نیز بوده است. وی در فهرستی که روزنامه‌ی وال استریت که ۵۰ زن برتر سال ۲۰۰۸ معرفی کرد، با رتبه ۴۵ یکی از معرفی شدگان بود. همچنین او نویسنده رمان تاریخی موفق «کیمیا خاتون» است که از سال نشر (۱۳۸۳) تا سال ۱۳۹۱، بیست و پنج بار تجدید چاپ شده است. کتاب کارآفرینی اجتماعی به شیوه سعیده قدس که شامل زندگینامه و تحلیل عوامل موفقیت وی است، به همت مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف و توسط رضا یادگاری و مهشید سنایی به وسیله انتشارات کارآفرینان بزرگ تألیف و چاپ شده است.

به حق باید او را گنجینه‌ی ملی ایران زمین نامید آنگاه که کیانای دوساله‌اش دچار سرطان شد و پایش به بیمارستان شهدای تجریش باز شد، هیچگاه فکرش را نمی‌کرد که این شراب تلخی که تقدیر به کامش چشاند و این داغ و دریغی که آسمان به دامانش نشانده و فشانده، همه در کار شستن چشم‌هایی است که قرار است زین پس جور دیگری ببینند و ببینند و بزیزند.

آنگاه که در راهروهای بیمارستان که به دالان مرگ می‌ماند بالا و پایین می‌رفت و پشت درهای بسته و مراقبت‌های ویژه، خشم عریان روزگار و حرمان مردمان بیقرار را می‌دید، نذر و نیتی کرد به حرمت انسان و به درازای همه عمر باقیمانده‌اش. عشق بدون مرز که شعله گرفت، خود دست بکار ستردن و ستاندن یأس و ستوه از سطور درهم و برهم سیمای جماعتی مستأصل شد و با ساخت استراحتگاهی برای آنان و دفتری در زیرزمین ساختمانی در چیدر شروع کرد تا که امروز به تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه برسد.

بی‌شک برخاستن امید و جان‌بخشی از دل مصائب زندگی، امری بزرگ و ارزشمند است؛ فراموش نکنیم که در تیرگی شب به سپیده‌ی صبح رسیدن امری ممکن برای همه‌ی ما انسان‌هاست، کافی‌ست که بخواهیم و توکل کنیم.



تعطیلاتِ ابد و پگ روز!

«نویپو»

«و هنگامی که دختران زنده به گور شده باز پرسند به چه جرم و گناه کشته شدند؟»

هرگاه به تفکر جاهلیت تاسف خوردید که تنها به جرم مونث بودن، دختران خود را زنده به گور می‌کردند، به این فکر کن که خودت تنها به همین جرم، چند نفر را از چه چیزهایی محروم کردی؟!

چند بار به چند دختر گفتم: «نمی‌تونی تنها بری، واسه دختر خوب نیست، دختر و این کار؟! انگار نه انگار دختری، این رنگو نیوش، اونجا نرو، این کارو نکن، زنیکه، این رشته دخترونه نیست، برو پشت ماشین لباسشویی بشین، آخرش که باید بچه تمیز کنی، دختر باید اینجوری باشه، زنیکه، ترشیده، هروقت ازدواج کردی هر کاری خواستی بکن، حتما برا شوهرت کم گذاشتی که طلاق داد، اگه پدرت/برادرت بفهمه سر تو می‌بره، چون تو دختری، دخترزا، کی میخواد تو رو بگیره و...» قطعاً کسی نمی‌داند شنیدن هر جمله‌ای که دختری را جنس دوم خطاب می‌کند، چه آسیبی به روان او می‌زند و شاید زنده به گور کردن فقط ریختن خاک روی کسی نیست!

چه اتفاقی افتاد که دخترها شدند خواهر فلانی، دختر فلانی، زن فلانی؟ از کجای تاریخ انسان بودن تجزیه شد؟ چرا هیچ هویت مجزایی برای هیچ دختری وجود ندارد؟ دلم می‌خواهد در زمان دیگری زندگی می‌کردم. شاید سال‌های خیلی بعد از این! دوره‌ای که غیرت نمی‌شد قتل، محدود کردن، جنگ و جدل، افسردگی، چند تلنگر دیگر لازم است که به خود بیاییم و ببینیم هیچ زن و مردی وجود ندارد؟! چند دانشمند زن؟ چند ریاضیدان؟ چند سیاستمدار؟ چند هنرمند؟ کجای کار می‌لنگد که مثلاً فمینیست‌ها ما را به باغی تشبیه می‌کنند؟! که ما همواره به دنبال آنیم که حقوق مردان را پایین بکشیم؟ چرا «برابری» برای خیلی از ما بد تعریف شده است؟ در آینده از عجایبی که بر ما روا می‌دارند برای فرزندانمان تعریف می‌کنیم و چقدر دوست داریم که اینها برای پسران ما مشمژکننده‌تر باشد تا دختران! پسرنی که مانند اجدادشان نیستند. حامیانی با دستان همواره گرم، معتمدترین فرد برای خواهران و همسران‌شان. پسرنی که ما تربیت می‌کنیم... آسمانه گلوگاهی، پرستاری ۹۵

قراره حذف بشه یا نه؟ اونایی که ترم آخرن و قراره فارغ‌التحصیل بشن وضعشون چی میشه؟ و کلی سوال دیگه...

دانشجوها الان در سردرگم‌ترین وضع ممکن هستن که نمیدونن قراره کلاساشون و امتحاناشون مثل بچه‌های محصل (البته نه همه‌ی محصلا) مجازی باشه یا چون بزرگ شدن و احتمالاً مقاوم‌تر و ضدکرونا‌ترن (!) باید برگردن به آغوش گرم دانشگاه و شخصاً سر کلاس و امتحان حاضر بشن...

ناگفته نمونه که هنوز برتری هیچ‌کدوم از روش‌های فوق (مجازی-حضوری) رو نمیشه اثبات کرد... اگه کسی فکر می‌کنه امتحان مجازی از نظر امدادهای غیبی و کمک به هم‌نوع و هم‌فکری در حل سوالات، بهتر از امتحان حضوری، وظیفه‌ی خودم میدونم بگم که با توجه به نمونه آزمون‌های منتشر شده و شرایط برگزاریشون، امتحان حضوری حتی در صورت وجود دو مراقب برای یک کلاس، به مراتب راحت‌تره:)))

با وجود اینکه تعدادی از دانشگاه‌ها هنوز درهای دانش رو به روی پژوهندگان باز نکردن، یه سری دانشگاه‌ها دارن کلاس‌هاشون رو (البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی) تشکیل میدن؛ که حتی همین دست‌های دوم هم که به نظر می‌رسه باید تکلیفشون مشخص باشه، معلوم نیست که قراره در نهایت برای امتحانا چه تصمیمی بگیرن...

با همه‌ی این اوصاف، شخصاً اوصیکم و اوصیکن به درس خواندن در دوران بلا تکلیفی، جهت رستگاری در دوران امتحانات؛ چرا که با این عمل پسندیده در صورتی که هر اتفاقی بیفته، این شماین که برنده‌این و دیگه براتون فرقی نخواهد کرد که کی دانشگاه باز میشه و امتحانا چجوریه و فلان و بهمان.

همین الان پاشین درس بخونین و کاری به اخبار و تاریخ‌های بازگشایی نداشته باشین... [پیزود ۱۰ از فصل ۸ سریال مورد علاقه اش را پلی می‌کند] | فاطمه ملکی، فیزیوتراپی ۹۷

فکر نمی‌کنم بعد از دوران جنگ‌های جهانی، دانشجویان سرتاسر دنیا، رنگ تعطیلات این‌چینی به چشمشون خورده باشه. از اواسط اسفندماه که کم‌کم دانشگاه‌ها تعطیل شد تا الان که من دارم این متن رو می‌نویسم، ۴ ماهه که دانشجویان سرزمینم وارد دانشگاه نشدن، روی ماه هم‌کلاسی‌ها و اساتید رو از نزدیک زیارت نکردن، لب به غذاهای رنگین سلف نزدن و به همین نسبت هم دستانشون رو به کتاب و جزوه، آلوده نکردن!!

علی‌رغم اینکه این تعطیلات کمیت قابل توجهی داشت، کیفیت خیلی خوبی (حداقل برای دانشجوها) نداشت... فشار و بار روانی‌ای که بر دوش این قشر زحمتکش قرار می‌گیره رو نباید نادیده گرفت. از همون هفته‌ی اول عید، آرامش از این بندگان مظلوم خدا سلب شده بود... اخبار، یه روز درمیان تاریخ احتمالی بازگشایی دانشگاه‌ها رو اعلام می‌کرد... "دانشگاه‌ها از ۱۵ فروردین ماه، آماده‌ی خدمت‌رسانی به دانشجویان هستنند"... یه کم که می‌گذشت و دانشجوها دیگه می‌پذیرفتن که باید کوله‌بار سفر ببندن و برگردن خونه‌ی دوم (!) شون، دوباره اعلام می‌شد که "درباره‌ی زمان بازگشایی دانشگاه‌ها، تصمیم قطعی گرفته نشده است"... دانشجوها در مدت این سه‌ماه، یه قلم و یه تقویم گرفته بودن دستشون، ساعت ۱۴ هر روز می‌نشستن پای اخبار، یه خونه‌ی تقویمو علامت می‌زدن، ساعت ۲۰:۳۰ همون روز هم که می‌نشستن پای اخبار، پاکش می‌کردن. در طول این تعطیلات اجباری سه‌ماهه، تعداد تاریخ‌های اعلام شده برای تعیین وضع و اوضاع جوینده‌های دانش، از تعداد واحدهایی که یک جوینده‌ی دانش می‌تونه در یک ترم تحصیلی اخذ کنه، فراتر رفته!

شاید بشه گفت قشر دانشجو، بلا تکلیف‌ترین قشریه که تحت تاثیر کرونا و ایرس (!) قرار گرفته... مشخص نیست کی باید بره سر کلاس، اصلاً باید بره سر کلاس یا نه؟ امتحانا حضوریه؟ مجازیه؟ چجوریه؟ ترم





باید یک بار به خاطر همه چیز گریه کرد
 آنقدر که اشک ها خشک شوند
 و بعد دفتر زندگی را ورق زد
 به چیز دیگری فکر کرد
 باید پاها را حرکت داد
 و همه چیز را از نو شروع کرد
 آنا گاوالدا



امام علی (ع):

زن، یک ریحانه است نه متولی و سرپرست امور، تو
در هر حال با او مدارا کن و با خوش رفتاری، زندگی
را در کام خود شیرین نما.

وسائل الشیعه، جلد ۱۴

